

سرپل‌ذهاب، هدیه جاده عتبات جغرافیای تاریخی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار


دکتر صباح قنبری و صباح خسروی‌زاده

چکیده

موضوع مقاله حاضر در واقع جغرافیای تاریخی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار است. این شهر در فاصله ۱۴۷ کیلومتری کرمانشاه و در مرزهای غربی با کشور عراق قرار دارد. در پیشینه جغرافیایی سرپل‌ذهاب سابقه و ریشه دو شهر حلوان و ذهاب وجود دارد. بعد از ویرانی و فراموشی شهر ساسانی - اسلامی حلوان در دوره ایلخانان و نابودی شهر ذهاب در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، خیلی زود و فقط در فاصله حدود بیست کیلومتری ذهاب، شهر سرپل‌ذهاب با هویتی مستقل حیات شهری خود را آغاز کرد. از اقبال بلند شهر یکی این بود که در مسیر جاده عتبات قرار داشت و از میزبانی و شیوایی قلم سفرنامه‌نویس‌های عتبات برخوردار شد. این مقاله می‌کوشد به اندازه وسع منابع به بررسی تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی این شهر کوچک در دوره قاجار بپردازد.

کلیدواژه‌ها

سرپل‌ذهاب، سفرنامه‌ها، قاجار، عتبات.



سرپل‌ذهاب، هدیه جاده عتبات جغرافیای تاریخی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار

دکتر صباح قنبری^۱ و صباح خسروی‌زاده^۲

مقدمه

۱. دکتری تاریخ اسلام؛ @sabah.gh62@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، کارشناس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ @sabah.khosravi@gmail.com

موقعیت جغرافیایی مناسب برای شکل‌گیری شهر به‌تنهایی کافی نیست بلکه این اراده انسان است که تصمیم می‌گیرد در کجا عمارتی بر پا کند. ویدال دو لابلش (۱۸۴۵-۱۹۱۸م.) -جغرافیدان اختیار و امکان‌گرایی فرانسوی- اعتقاد دارد طبیعت عرضه‌کننده بستر ساخت و مقر و مکان جغرافیایی شهر است و انسان به دلخواه، ارگانیزم شهری را بر این نشستگاه می‌نشاند. قدرت خلاقیت و سازندگی انسان در ساخت و پرداخت شهرها به‌مراتب بیش از روستاها نقشی است و شهر جز نشانه‌ای از مساعی عظیم انسان‌ها بر پهنه زمین نیست. بنابراین جبر تاریخی در مورد ظهور، رشد و قدرت‌یابی و افول و عظمت شهرها محتمل است و نمی‌توان آن را به مانند قانون تغییرناپذیر قبول کرد. در تکامل شهرها، فقط شرایط آمرانه طبیعی حاکم و جبر جغرافیایی را نیز در کل و به‌طور سر بسته نمی‌توان باور داشت، زیرا جبر طبیعی و فاتالیسم جغرافیایی در زایش، رشد و حرکت تکاملی شهر، اثری نسبی دارد (فرید، ۱۳۸۴، صص ۸-۱۰) گاهی حتی برخی از جای‌ها که ظاهراً قابلیت تبدیل شدن به یک شهر را ندارد بر اثر رخداد یک حادثه خاص مثل یک واقعه مذهبی برجسته می‌شود. سرپل‌ذهاب در دشتی هموار و در کنار رودخانه الوند این شانس را داشت که به یک شهر تبدیل شود. اما آنچه که سرپل‌ذهاب^۳ یا پل‌ذهاب را اوایل دوره قاجار از یک ده به یک شهر کوچک مرزی تبدیل کرد رونق جاده عتبات بود. محرومیت این شهر کوچک از سیاست‌های عمرانی دولت کم بودجه قاجاری، شیوه اجاره



حاکمیت آن به صورت مقاطعه و ظلم حاکمان محلی به تبع آن مانع از تکامل شهر سرپل ذهاب در این دوره شد.

موقعیت جغرافیایی سرپل ذهاب

طبق آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان سرپل ذهاب با مساحت تقریبی ۱۲۷۱ کیلومتر مربع و جمعیت ۸۵۶۱۶ نفری در ۴۵ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۲۴ دقیقه عرض جغرافیایی در غرب کشور قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به ثلاث باباجانی، از شرق و جنوب شرقی به شهرستان دالاهو، از جنوب و جنوب غربی به شهرستان گیلان غرب و از غرب به شهرستان قصرشیرین و خاک عراق محدود می شود (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، ص ۳). سال ۱۳۲۹ ش. در تقسیمات کشوری به شهر ارتقا پیدا کرد و در سال ۱۳۶۸ ش. با دارا بودن یک بخش مرکزی و پنج دهستان، حومه، قلعه شاهین، بشیوه، دشت ذهاب و پشت تنگ مرکز شهرستان شد. مساحت کل اراضی این شهرستان ۱۱۹۴۰۰ هکتار است و فاصله آن تا کربلا ۲۷۰، تا تهران ۶۸۰ و تا کرمانشاه ۱۴۷ کیلومتر است. سرپل ذهاب به طور کلی در موقعیت آب و هوایی گرم و خشک قرار دارد. اما قسمت های شمالی و شرقی آن در شرایط اقلیمی معتدل کوهستانی هستند. این تفاوت آب و هوایی، تقریباً فقط در مساحت ۱۲۷۱ کیلومترمربعی این شهر باعث تنوع در پوشش گیاهی و جانوری و البته زیست انسانی شده است. ناحیه گرم و خشک شهر، تابستان های گرم و طولانی با درجه حرارتی نزدیک به ۵۰ درجه دارد که در آن به ندرت برف می بارد در حالی که در نواحی معتدل آن بارش برف نادر نیست. در تاریخ منتظم ناصری ذیل حوادث سال (۱۲۷۲ ق.) آمده است که در ذهاب تگرگی باریده که از قرار معلوم هر دانه به قدر نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواش را تلف کرده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۸۷۶). اما تابستان های گرم سرپل نیز وقتی با بادهای سمی همراه شود کشنده است (احتسابیان، ۱۳۱۸، ص ۱۴۸).

پیشینه شهری در جغرافیای تاریخی سرپل ذهاب

در جغرافیای تاریخی شهر سرپل ذهاب امروزی، تا قبل از پیدایش آن با هویت و نام سرپل ذهاب، حداقل به صورت روشن دو شهر حلوان و ذهاب حیات تمدنی داشته اند. حلوان از شهرهای بزرگ دوره ساسانی و بر سر شاهراه بزرگ خراسان-تیسفون قرار داشت. اوایل دوره اسلامی نیز به علت پیوستگی جغرافیایی قلمرو اسلام، جاده حج - به خاطر عبور و مرور کاروان های حج از مسیر آن - حلوان اهمیت خود را حفظ کرد. با حمله مغول و تقسیم ممالک اسلامی به شرقی و غربی، جاده حج اهمیت خود را از دست داد و حلوان رو به ویرانی نهاد.



در نتیجه جنگ‌های صفویه-عثمانی به تدریج منطقه سرپل ذهاب امروزی اهمیت زیادی یافت. وقتی عثمانی به موجب قرارداد صلح (۱۰۴۹ق.)، بخش‌هایی از غرب قلمرو ایران را به دست آورد، ذهاب را به‌عنوان یکی از پاشانشین‌های بغداد مرکز فرماندهی خود قرار داد. دولت عثمانی در ذهاب به‌وسیله حاکمان تابع خود- باجلان‌ها بنیان شهری را همزمان با آغاز دوره نادری گذاشت که بالاخره در نتیجه لشکرکشی محمدعلی میرزای دولت‌شاه در سال ۱۲۲۶ق. دوباره به خاک ایران الحاق یافت که البته در نتیجه این جنگ‌ها و کوچ اجباری ایل بزرگ باجلان شهر ذهاب رو به ویرانی نهاد. اما از اقبال بلند، رونق جاده عتبات مخصوصاً از دوره ناصری به بعد زمینه پیدایش شهر سرپل ذهاب را در فاصله بیست و چند کیلومتری شهر ذهاب و در کنار کاروانسرای شاه عباسی فراهم ساخت (برای مطالعه درباره شهر حلوان، شهر ذهاب و شکل‌گیری شهر سرپل ذهاب به قنبری و خسروی‌زاده، ۱۳۹۱مراجعه کنید).

شکل‌گیری شهر سرپل ذهاب و بررسی جمعیتی آن

هسته اولیه شهر سرپل ذهاب امروزی به تدریج اوایل دوره قاجار بنیان نهاده شد. ابتدا دولت عثمانی با احداث گمرگ در تنگه میانکل حیات شهری آن را آغاز کرد. اولیویه که ۲۱ ذی‌القعدة ۱۲۱۰ق از «ده سرپل» عبور کرده است به وجود این گمرک‌خانه اشاره می‌کند که از هر بار سی‌پاره مطالبه می‌کرد (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۳۷). متأسفانه در این دوره با فقر اطلاعاتی منابع درباره سرپل روبه‌رو هستیم. آنقدر می‌دانیم که کاروانسرای رو به ویرانی و چند زاغه گلی در کنار این گمرک‌خانه بوده است. وقتی در سال ۱۲۲۶ق. دوباره سرپل و قصرشیرین به خاک ایران ضمیمه شد گمرک به قصرشیرین انتقال پیدا کرد. ابتدا شهر در قسمت شرقی رودخانه و در محدوده فعلی میانکل استقرار داشت اما به تدریج در قسمت غربی رودخانه و در کنار کاروانسرا، در دو سوی رودخانه توسعه پیدا کرد. با رونق جاده عتبات، فرصتی برای رشد سرپل با کارکرد خدماتی زیارتی فراهم شد. میرزا سیدمحمد تقوی که شب یکشنبه ۲۵ شعبان ۱۲۴۰ق. در این کاروانسرا خوابیده است قدمت آن را به دوره صفوی و شاه‌عباس مربوط دانست که تمام خراب و کثیف و در آستانه ویرانی بوده است (تقوی‌قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۰). از دوره ناصری سفرنامه‌نویسان از رونق نسبی کاروانسرا صحبت می‌کنند. ناصرالدین‌شاه ۱۶ شعبان ۱۲۷۶ق. آن را کاروانسرای معتبر ملاحظه می‌کند و بنای آن را به شیخعلی‌خان زنگنه (۱۰۲۰-۱۱۰۰ق.) ارجاع می‌دهد که توسط محمدحسین‌خان قراگوزلو معروف به حسام‌الملک (ف ۱۳۰۷ق.) تعمیر شده است (ناصرالدین‌شاه، بی‌تا، ص ۹۱). شیخعلی‌خان زنگنه از سال ۱۰۶۴ق. و در زمان شاه‌عباس دوم حاکم کرمانشاه بود تا اینکه در ۱۰۸۰ق. به وزارت شاه‌سلیمان صفوی رسید. با توجه به شهرت کاروانسرا به عباسی و اشاره ناصرالدین‌شاه به



شیخعلی خان زنگنه حاکم کرمانشاه در زمان شاه‌عباس دوم، احتمالاً قدمت این کاروانسرا به دوره صفوی و پادشاهی شاه‌عباس دوم و حکومت شیخعلی خان زنگنه در کرمانشاه بر گردد. از نظر زمانی هم باید تاریخ ساخت آن بین سال‌های ۱۰۶۴ تا ۱۰۸۰ ق. باشد. تا اینکه دوباره سال ۱۳۰۴ ق. نویسنده سفرنامه «از حریم تا حرم» نوشته است که از ثلث مرحوم نیم‌تاج‌خانم به‌شکل ایوان و بدون اتاق در حال تعمیر بودند (فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۸). در نتیجه این تعمیرات است که علی‌اکبر هما سال ۱۳۱۷ ق. تنها مکان دلپذیر سرپل را «رباط شاه‌عباسی» دانسته است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۶). پل تاریخی شهر هم جلوی دهکده میانکل بر روی رودخانه حلوان یا الوند مقابل کاروانسرا قرار داشت. منابع آغازین قاجاری اشاره‌ای به این پل ندارند. اوژن فلاندن که در فاصله سال‌های ۱۲۵۶ تا ۱۲۵۸ ق. از مناطق مختلف ایران دیدن کرده است به این پل اشاره و آن را تازه‌بنا و با دو چشمه نوشته است (فلاندن، ۱۳۵۶، ص ۲۱۱). اما ناصرالدین‌شاه سال ۱۲۷۳ ق. آن را پلی با سه‌دهنه نوشته که قدری خرابی دارد (ناصرالدین‌شاه، بی‌تا، ص ۹۱). از دوره ناصری به بعد منابع به‌طور مکرر به این پل اشاره کرده‌اند. علی‌اکبر هما سال ۱۳۱۷ ق. ضمن عبور از پل آن را پلی با سه چشمه بزرگ توصیف کرده است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۷). اما اوژن اوین سال ۱۳۲۵ فقط به دو چشمه پل اشاره می‌کند (اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۵۶). آنطور که از روزنامه سفر کربلا بر می‌آید، طهماسب میرزا مؤیدالدوله که بین سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۱ ق. در کرمانشاه حکومت کرده است و حاکم بعد از او یعنی محمدحسین خان قراگوزلو معروف به حسام‌الملک (ف ۱۳۰۷ ق.) در بازسازی و تعمیر این پل نقش داشته‌اند (نائینی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). می‌دانیم که اوایل دوره قاجار سرپل از داشتن حمام محروم بوده است زیرا احمدبن محمدعلی بهبهانی معروف به آل‌آقا سال ۱۲۱۰ ق. هنگام عبور از سرپل ذهاب برای حمام مجبور شد به چشمه سراب گرم در خارج از شهر برود (آل‌آقا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۹۶). اولین منبع در دسترس ما که به وجود حمام در سرپل اشاره می‌کند نسخه خطی سفرنامه عتبات علی‌اکبر هما مربوط به سال ۱۳۱۷ ق. است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۸). اما گزارش نسبتاً مفصلی درباره حمام سرپل از زبان محمدحسین خان هروی معروف به خان افغان در دوم ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ق. داریم. به نوشته خان افغان اعیان فوته به کمر داشتند و بقیه مردم بدون حجاب داخل می‌شدند. خان افغان از حمامی درخواست لنگ می‌کند که با تعجب متوجه می‌شود که حمام لنگ ندارد. در این زمان نعمت‌الله خان، حاکم سرپل، قصد حمام می‌کند و به‌همین دلیل آن را برای او قرق می‌کنند و خان درمانده افغان مورد لطف و توجه حاکم قرار می‌گیرد (خان افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۷). در مورد تلگراف نیز می‌دانیم که عضدالملک در ذی‌الحجه سال ۱۲۸۳ ق. برای زدن تلگراف مجبور شد از سرپل مأمور به خانقین بفرستد (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۷۹).



اما سال ۱۲۹۸ ق. آنطور که در سفرنامه عتبات نویسندۀ ای ناشناس آمده است هم سرپل و هم قصرشیرین تلگراف داشته‌اند (طاوسی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۴). علی‌اکبر هما نیز سال ۱۳۱۷ ق. به وجود تلگراف‌خانه در سرپل اشاره کرده است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۸). از جهت نظامی سربازان حاضر در سرپل اغلب داخل چادر بودند. به تدریج از دوره ناصری به بعد شاهد ایجاد قورخانه و توپخانه در سرپل هستیم (فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۸؛ سدیدالسلطنه مینایی، ۱۳۶۲، صص ۳۱۶-۳۱۸). به جهت اهمیت منزل سرپل در مسیر جاده عتبات، همیشه قراسوارانی برای محافظت از مسافران به چشم می‌خورد (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۳-۳۳۴). خانه حاکم سرپل در واقع ساختمانی برج و بارو دار در میانکل بود که با چند فروند توپ و تعدادی سرباز محافظت می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷). در مجموع همان‌طور که عضدالملک در ۱۲۸۳ ق. نوشته است اوضاع نظامیان دولتی حاضر در سرپل ذهاب پریشان بوده است. آن‌ها از حداقل امکانات برای یک سرباز، غذا، لباس و اسلحه، برخوردار نبودند و اغلب خود موجب نمانی می‌شدند (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۸۴). علاوه بر این، شهر سرپل ذهاب پستخانه، قهوه‌خانه، عرق‌فروشی، بیدستان و باغی بزرگ کنار رودخانه الوند برای استراحت مسافران داشته است (هدایتی، ۱۳۴۳، ص ۲۷؛ هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، صص ۵۷-۵۸؛ خان افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۷؛ فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۸؛ اوبن، ۱۳۶۲، صص ۲۵۶-۲۵۷). در تمام دوره قاجار خانه‌های مردم سرپل ذهاب برای مسافران فقط دافعه داشت. ابتدا به صورت چادر و بعد به شکل زاغه و خانه‌های گلی به شکلی کثیف و زشت بوده است (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۲۵۶). به نحوی که مثلاً میرزا سیدمحمد تقوی سال ۱۲۴۰ ق. منازل مردم محلی را قابل سکونت ندانسته است (تقوی قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۰) علی‌اکبر هما نیز سال ۱۳۱۷ ق. خانه‌های رعایا را بیشتر از نی و چوب و چند خانه را هم گلی اما بی‌سلیقه‌تر از طویله گاوان و خران بی‌مهرتر نوشته است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۶). حاجیه‌خانم علوی کرمانی که در آخرین سال‌های حکومت ناصری به سفر عتبات رفته بود درباره خانه‌های مردم سرپل ذهاب می‌نویسد: «خانه‌هاشان همه از سنگ [و] گل بالا آوردند. سقف‌ها چوب و نی، گل مالیدند رویشان» (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). به لحاظ جمعیتی نیز ابتدا فقط چند خانه در سرپل بوده است (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۲۸). اما به تدریج از اوایل دوره ناصری جمعیت رو به فزونی نهاد. به طوری که در سال ۱۲۷۳ ق. حدود بیست خانه جمعیت داشته است (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴، ص ۶۹). در دوره مظفری جمعیت بیشتر شد و به حدود ۴۰ خانه رسید (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷). نکته قابل توجه این است که در فصل سرد سال، جمعیت عشایری برای گذراندن قشلاق به اطراف سرپل می‌آمدند اما قبل از خردادماه شهر و اطراف آن به یکباره خالی می‌شد.



اداره شهر سرپل ذهاب و حاکمان آن

اوایل دوره قاجار سرپل ذهاب به نیابت از عثمانی به دست پاشای باجلان ذهاب بود. با استناد به تاریخ ذوالقرنین در اوایل دوره فتح‌علیشاه طاق‌گرا در ۱۵ کیلومتری شهر سرپل ذهاب به طرف کرد غرب، مرز دولت ایران و عثمانی بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۵۲). در روزنامه سفر هیئت سرجان ملک و سفرنامه اولیویه نیز به این نکته تأکید شده است (هالینگبری، ۱۳۶۳، ص ۸۷؛ اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۲۸). در سال ۱۲۲۶ ق. شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه برای بازپس‌گیری سرپل ذهاب لشکر کشید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۷). در این زمان فتح پاشا از سوی عبدالرحمن پاشای شهر زور حاکم سرپل بود و توان مقابله در برابر دولت‌شاه را نداشت. به این ترتیب، این شاهزاده لایق قاجاری ذهاب و سرپل را از سلطه عثمانی رها ساخت. شیوه اداره سرپل ذهاب بعد از الحاق مجدد به ایران، مقاطعه آن به سرکردگان فوج گوران کردی از سوی حاکم کرمانشاه بود (اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷). از معروفترین حاکمان سرپل ذهاب در دوره ناصری می‌توان به ملک نیازخان فرزند حیات‌قلی‌خان کردی اشاره کرد که حدود یک ماه میزبان عضدالملک بود. مهمان صاحب‌منصب میزبان خود را جوانی عاقل و برای دولت نوکری مفید خواند که جمله رفتارش بر وفق کفایت و کاردانی بود (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۸۹). سندی در فهرست کتابخانه ملی موجود است که به اجاره قریه‌ها مزارع، مراتع، نهرهای ذهاب و قصرشیرین به وکالت از طرف ظل‌السلطان (۱۲۶۶-۱۳۳۶ ق.) و حکم حسام‌الملک (۱۲۷۵-۱۳۴۶ ق.) به جوان‌میرخان سرتیپ احمدوند در سال (۱۳۰۳ ق.) اشاره دارد (ساکما، ۱۳۰۲/۳۹۶).

جوان‌میر پسر احمد معروف به اجل رئیس طایفه احمدوند (حمه‌وند) چلبی با قتل یکی از سران ایل جاف بر حکومت عثمانی شوریده و از طرف کرکوک به ایران مهاجرت کرد و به قول سردار مقتدر در نواحی سرپل و ذهاب کانون فسادى به وجود آورده بود (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۶۵؛ اوین، ۱۳۶۲، ص ۳۵۶). حاجیه علویه کرمانی در این باره می‌نویسد: «اینجا [قصرشیرین] جایی است که جوان امیر کرد جلوی زوار را می‌گرفت و می‌کشت که هر چند سال یک دفعه قدغن می‌شد زوار نیاید. در هشت سال قبل از این [یعنی در سال ۱۳۰۴ ق.] شاه ما با شاه عثمانی دست یکی کردند و او را کشتند» (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). سندی نیز درباره قلع و قمع حمه‌وندیها در منطقه ذهاب و پناهنده‌شدن آنها به عثمانی در فهرست اسناد کتابخانه ملی موجود است (ساکما، ۲۹۶/۳۶۲۰). در ۲۱ شعبان (۱۳۰۷ ق.) تلگرافی از سرپل ذهاب به تهران می‌رسد که در آن بیان شده است مردم از بابت مأمورشده‌شدن علی‌مردان‌خان سرتیپ به حکومت ذهاب تماماً شادی دارند (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲، ص ۶۱). سندی دیگر نیز درباره تلگراف علی‌مردان‌خان از سرپل به حسام‌الملک در باب انجام اوامر مربوط به حفظ طرق، حسن سلوک



با مأمورین، پرداخت اقساط و اشاره به فقره احمدوندها وجود دارد (ساکما، ۱۳۷۲/۲۹۶). اوژن اوین که سال ۱۳۲۵ ق. از سرپل عبور کرده است از نعمت‌الله‌خان صارم‌الممالک نام می‌برد که علی‌رغم مسکینی و حقارت خانه‌اش از آداب تشریفات و اسباب بزرگی غفلت نکرده است. تعدادی فراش و شاطر قرمزپوش و تعدادی سرباز همواره مأمور خدمت در خانه‌اش بودند. نعمت‌الله‌خان در گفتگو با اوژن اوین از ناامیدی خود نسبت به مشروطه سخن گفته است (اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷).

بررسی اقتصادی شهر سرپل ذهاب

الف- ظرفیت‌های خدماتی - زیارتی شهر سرپل ذهاب

با رونق جاده عتبات در دوره قاجار و موقعیت ممتاز سرپل در مسیر این راه به تدریج فرصتی فراهم شد تا کارکرد خدماتی - زیارتی شکل بگیرد. مک داول ظاهراً با دسترسی به منابع آرشیوی عثمانی، زائران ایرانی عتبات را در پایان قرن ۱۹ م. سالانه هزار ۱۲۰ نفر به همراه ۸ هزار جنازه برای تدفین در کربلا و نجف ذکر می‌کند (مک داول، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶). چارلز عیسوی این رقم را ۱۰۰ هزار (عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷)، روزنامه حبل‌المتین روزانه ۶۰۰-۵۰۰ نفر (روزنامه حبل‌المتین، سال هشتم، شماره ۹، ۱۳۱۴ ق.)، احتشام‌السلطنه، کارپرداز ایران در بغداد ۱۰۰ هزار و اوژن اوین ۴۰۰ هزار می‌دانند (شهسواری، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶) تفاوت فاحش رقم اوین با دیگر منابع از بی‌دقتی او نیست. آمار او مربوط به اوایل مشروطه و سال‌های پس از معاهده الرزنه‌الروم دوم است که در نتیجه ثبات سیاسی و آرامشی که در روابط ایران و عثمانی حاصل شده بود، زیارت عتبات رونق چند باره یافته بود.

میرزا علی نائینی که در سال (۱۳۱۸ ق.) به زیارت عتبات رفته است نیز عدد جالبی در شمارش زائران ارائه می‌دهد: «امروز منزل میان طاق است ... در صدد برآمدن که عدد ادج‌هایی را که از طرف بالا یعنی کربلای معلی می‌آیند معین نمایم تا اواخر منزل هفتصد و هفتاد و دو نفر به شمار آمد. حیرتم برده بود و بعضی از تعداد به در رفته بود» (نائینی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۹-۱۶۰). با مطالعه سفرنامه‌های مختلف می‌توان به مستندبودن تعداد زوار از این مسیر پی برد. سفرنامه‌نویسان در منزل سرپل به عبور و مرور کاروان‌های دیگر اشاره کرده‌اند. برای مثال علی‌اکبر هما سال ۱۳۱۷ ق. به قافله و زوار زیادی از اهل قراباغ و سبزوار اشاره کرده است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، صص ۵۸-۵۹). این تعداد مسافران زیاد احتیاج به خدمات غذایی، مسکن و امنیت داشتند. در همین منبع به انعام زوار به قراسوران محلی و اجاره منازل مردم محلی توسط زوار اشاره شده است. (همانجا) مردم بومی به چند شیوه از کاروان‌های زیارتی تحصیل درآمد می‌کردند. در مسیر زائران و در قصبه‌ها دکان‌های مختلفی شکل گرفت برای



مثال حاجیه علویه دربارهٔ قصر شیرین - شهر همسایه سرپل - می‌نویسد: «چند دکان و بازار دارد. قصایب، نانوائی، بقالی، الان هندوانه، خیار، بالنگ هم دارند ... آنجا [سرپل ذهاب] همه چیز است» (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). حاجیه علویه از خرید انگور عسکری، ماست و پنیر، قفل و قندشکن‌های خوب در کرد - شهر دیگر همجوار سرپل - خبر می‌دهد (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). مؤلف روزنامهٔ سفر کربلا نیز به خرید بلوط، نان، ماست و لیمو در همین شهر اشاره دارد (نائینی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). حسین مهاجرانی می‌نویسد که در خسروآباد از مردم محلی کبک خریده است (مهاجرانی همدانی، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۴۷۹۱، ص ۱۵۹). گاهی دکان‌دارها مقداری رشوه به قراسواران - مأموران دولتی راه - می‌دادند تا آن‌ها مسافران را مجبور به اتراق در جاهای خاصی نکنند. برای مثال چند نفر زوار به ظهیرالدوله (۱۲۸۱-۱۳۴۱ ق.) شکایت بردند که قراسواران مانع است که هر جا میل داریم منزل کنیم ما را مجبور می‌کنند که باید حتماً فلان جا منزل کنیم و هر چه لازم داریم از فلان دکان بخریم و آن دکان هم قیمت هر چیز را پنج برابر می‌خواهد. قراسواران را خواستیم (ظهیرالدوله، ۱۳۸۵، صص ۲۵۶-۲۵۷). قهوه‌خانه‌های بین راهی که یکی از معروفترین آن‌ها در سرخه‌دیزه قرار داشت نیز محلی برای کسب در آمد بود. ابن شیخ از نوشیدن چایی در قهوه‌خانهٔ سرخه‌دیزه همراه با «جناب رشید نظام» صحبت می‌کند (ابن شیخ حایری، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۸۸۰، صص ۶۵-۶۶). گاهی حتی مأمورین دولتی چادرهای خود را به زائرین اجاره می‌دادند (هدایتی، ۱۳۴۳، ص ۲۸). کاروانسرا محل درآمد بود زیرا توسط حاکم شهر به زوار اجاره داده می‌شد (تقوی قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۱). نویسنده ناشناسی که ۶ محرم ۱۲۹۸ ق. در سرپل بوده است به خرید گندم، جو، کاه، هیزم، نان، ماست، بره و انگور از مردم سرپل ذهاب اشاره کرده است (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۳-۳۳۴). در مسیر جاده عتبات از کرد به سرپل ذهاب، در واقع دو منزل تهیه شده بود. منزل اول میان طاق در چهار فرسنگی (حدود ۲۵ کیلومتری) کرد بود. منزل دوم در شهر سرپل ذهاب با همین حدود مسافت از میان طاق قرار داشت (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴، ص ۶۸). گاهی هم در میان این دو منزل، کاروان‌ها در پاتاق توقف می‌کردند. در واقع معمولاً مسافران از کرد به طرف سرپل در دو منزل استراحت می‌کردند. منزل اول را یا میان طاق در چهار فرسنگی کرد یا پاتاق در شش فرسنگی انتخاب می‌کردند. منزل دوم در سرپل و هشت فرسنگی کرد بود. منزل میان طاق احتمالاً در روستای سرخه دیزه امروزی کاروانسرایبی داشت که توسط محمد علی میرزا در دوره فتحعلیشاه ساخته شده بود. (همانجا) اما منزل پاتاق کاروانسرا نداشت بلکه خانه‌های مردم بومی و بیدستان کنار رودخانه محل استراحت کاروان‌ها بود (فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۷). برخی از ساکنان شهر در ادارات و اماکن خدماتی دولتی دوره قاجار مثل گمرک‌خانه، پستخانه، کاروانسرا، حمام و مهم‌تر از همه به‌عنوان سرباز مشغول خدمت بودند و از این طریق



به معیشت خود می‌پرداختند. عضدالملک سال ۱۲۸۳ ق. و اوژن اوین سال ۱۳۲۵ ق. به اشتغال تعدادی از مردم شهر به نظامی‌گری پرداخته‌اند (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۳-۸۴؛ اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۴۱).

ب- ظرفیت‌های دامداری شهر سرپل ذهاب

سرپل ذهاب آغاز نقطه گرمسیری جاده عتبات از مسیر همدان - کرمانشاه است. دشت‌های گرم سرپل ذهاب در دوره قاجار همواره محل قشلاق ایلات مختلف گوران، کلهر، سنجاب و جاف بود. هر چند قابلیت زندگی در تابستان را نداشت ولی در زمستان‌های سرد بهترین مکان برای زندگی دامداری بود. به همین جهت، بخش مهمی از معیشت مردم سرپل در دوره قاجار از طریق دامداری گذران می‌شد. این وجه از زندگی مردم در سفرنامه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. بهترین توصیف درباره زندگی دامداری سرپل ذهاب را در دوره قاجار محمدحسین خان هروی سال ۱۳۲۴ ق. نوشته است که در آن به قشلاق بودن محل سرپل ذهاب برای ایلات کرمانشاه، برخورداری از علفزارهای غنی، گله‌های زیاد دام و بره‌آوری گوسفندان منطقه دو مرتبه از سال تأکید کرده است (خان‌افغان، ۱۳۹۰، صص ۱۹۸۶-۱۹۸۷). دامداری پررونق و شکار حیواناتی مثل کبک، دراج، تیهو و غیره امکان گذران معیشت را برای مردم سرپل فراهم ساخت. آن‌ها در کنار بهره‌مندی خانوادگی خود از محصولات دامی، مازاد تولید خود را به مسافران جاده عتبات می‌فروختند و گاهی هم بخشی از آن را به‌عنوان تعارف به مقامات بلندپایه مسافر جاده یا صاحب‌منصبان و بزرگان بومی می‌دادند. عضدالملک که حامل خشت‌های طلا برای کرپلا بود از تعارف آهوی شکارشده توسط پسر ملک نیازخان، حاکم سرپل، در ذی‌الحجه ۱۲۸۳ ق. بی‌نصیب نماند (عضدالملک ۱۳۷۰، ص ۸۷). نویسنده ناشناس یکی از سفرنامه‌های عتبات نیز به خرید بره و قیمت گوشت در سرپل اشاره کرده است. بره را که سه کیلو گوشت داشت هزار دینار خریده است. گوشت دام تقریباً سه برابر محصولات زراعی و حدود بیست و پنج درصد نسبت به محصولات باغی مثل انگور اختلاف قیمت داشت (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۳-۳۳۴). مردم دامدار محلی علاوه بر گوشت، محصولات لبنی مثل ماست و کره و پنیر را هم به مسافران می‌فروختند (خان‌افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۸).

ج- ظرفیت‌های کشاورزی شهر سرپل ذهاب

دشت‌های پهناور سرپل ذهاب، رودخانه الوند و چشمه‌های متعدد اطراف شهر به همراه آب و هوای گرمسیری ظرفیت خوبی برای رونق کشاورزی در این محل بود. اما مشکل اصلی به هجوم حشرات موزی و مهم‌تر از همه ملخ برمی‌گشت که کشاورزان را مجبور به ترک زمین



می‌کرد. عضدالملک سال ۱۲۸۳ق. زمین‌های کشاورزی از کرد تا قصرشیرین را آماج حمله ملخ‌ها گزارش کرده است به نحوی که رعایای بیجاره یا زمین‌ها رها کرده بودند یا با کمک حاکم محلی امرار معاش می‌کردند (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۰، ۸۴، ۱۰۵). آب‌وهوای گرم تابستان و ناتوانی تحمل آن توسط مردم ایل و عشایر هم در عدم رونق کشاورزی نقش داشت. خان‌افغان مردم سرپل‌ذهاب را از اینکه به خیال زراعت نبودند، شماتت کرده است (خان‌افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۷). کمبود محصولات کشاورزی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار از شهرهایی مثل ماهیدشت و خانقین جبران می‌شد. اما همواره این نوع از مواد غذایی در سرپل‌ذهاب گران و کمیاب بود. به طوری که حتی وقتی عضدالملک به ۱۲۸۳ق. به اراضی ایل بزرگ جاف رفت که به لحاظ دامی ثروتمند بودند از تهیه نان برای سیصد همراه عضدالملک عاجز ماندند و ملک نیاز خان مجبور شد تا آرد به آن‌ها بدهد تا نان را برای مهمانان آماده کنند. عضدالملک با شکایت از گرانی و کمبود نان در سرپل‌ذهاب، قیمت آن را خرواری ده تومان و جو خرواری شش تومان نوشته است (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۶-۹۰). نویسنده ناشناسی هم که محرم ۱۲۹۸ق. از سرپل عبور کرده است از گرانی جو، نان، کاه و هیزم گلایه کرده و مردم آنجا را بی‌انصاف خوانده است. طبق گزارش این سفرنامه‌نویس نان در کرد و پاتاق و سرپل‌ذهاب منی چهارصد دینار اما در قصرشیرین پانصد دینار بوده است. جو در کرد منی دویست دینار و در سرپل ۲۵۰ دینار قیمت داشت. کاه در کرد منی شصت و هفت دینار، در پاتاق صد دینار و در سرپل‌ذهاب پنجاه دینار بوده است. هیزم هم در سرپل‌ذهاب پنجاه دینار گران‌تر از کرد و پاتاق منی صدوپنجاه دینار قیمت داشته است (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۲-۳۳۳). ابن‌شیخ در سفرنامه خود به ظرفیت کشاورزی سرپل اشاره کرده و از بی‌توجهی دولت قاجار به آن تأسف خورده است (ابن‌شیخ حایری، نسخه خطی شماره ۸۸۰، صص ۶۳-۶۴). علاوه بر محصولات زراعی مثل گندم، جو، برنج، ذرت محصولات باغی نیز مثل گردو، انار، انگور، انجیر و حتی در باغ ابراهیم پاشا باجلان در ذهاب لیمو، نارنج، زردآلو و آلوچه نیز بوده است (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵).

مشکلات توسعه شهر سرپل‌ذهاب

الف- شرایط بد آب‌وهوایی

شهر سرپل‌ذهاب با قرار گرفتن در شرایط اقلیمی گرم و خشک و دوری نسبی از منابع آب نوشیدنی گوارا، دافعه‌ای مبتنی بر نیازهای اولیه برای سکونت داشت. این مشکلات در تابستان مضاعف و به یکباره شهر از مردم خالی می‌شد. احتمال بیماری و شیوع انواع امراض در چنین شرایط آب‌وهوایی برای ساکنان این شهر محتمل به نظر می‌رسد. در آثار البلاد روایت شیرینی در این باره آمده است که خود گویای همه چیز است:



«گفته شد ملک الموت را کجا بیاید کسی تو را؟ گفت بر سرپل حلوان (سرپل ذهاب امروزی)» (قزوینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۸).

برادران هدایتی که دوشنبه ۱۲ رمضان ۱۳۳۸ ق. در سرپل ذهاب بوده‌اند با تأکید بر تفاوت آب و هوایی سرپل ذهاب در مسیر جاده عتبات آن را آغاز نقطه گرمسیر نوشته و از وجود گرد و غبار در آن شکایت کرده‌اند (دایتی، ۱۳۴۳، ص ۲۷). برای تهیه آب گورا احتمالاً مجبور بودند به چند کیلومتر محل شهر بروند. کنت دو سرسی که ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۵۵ ق. یعنی در تیرماه از سرپل عبور کرده است آب نوشیدن را در آن بسیار ذی‌قیمت دانسته و از زردی و گل‌آلودی آب گله کرده است (دوسرسی، ۱۳۶۲، ص ۷۹). علیرضا عضدالملک که در سال ۱۲۸۳ ق. مأمور رساندن خشت‌های طالا به عتبات بود به دلیل سیل در بغداد مجبور شد تا ذی‌الحجه همین سال در سرپل اقامت کند. او هم از آب ناگوارا و هوای گرم اردیبهشت‌ماه شهر کلافه شده است. تا آن حد که حاکم وقت شهر، ملک‌نیازخان سرتیب گوران، مجبور شد مهمان بلندپایه خود را همراه با سیصد همراهش به بیلاق و چراگاه بزیمیر آباد^۱ در دامنه کوه‌های دالاهو ببرد. شرایط آب و هوایی به‌صورتی بود که ملک‌نیازخان حتی زمانی که عضدالملک حدود یک هفته در کاروانسرای سرپل اقامت داشت خودش غروب به بیلاق می‌رفت و صبح زود برمی‌گشت (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۶-۸۷).

ب- جانوران و حشرات موذی؛ مار، عقرب و ملخ

با تمام پیشرفت فناوری، گاهی هنوز انسان در برابر حیوانات موذی و مزاحم احساس درماندگی می‌کند. حتماً این درماندگی در دوره قاجار برای مردم سرپل ذهاب چند برابر بوده است. ساکنان این شهر به‌خوبی با مار و عقرب و ملخ آشنا هستند زیرا در دوره اخیر هم، بخشی از پرونده‌های پزشکی بیمارستان و بهداری‌های سرپل ذهاب مربوط به گزیدگی مار و عقرب است. کشاورزان هم از شر هجوم ملخ‌ها در امان نبوده‌اند. در سفرنامه عضدالملک به‌خوبی این مشکل بحث شده است. هجوم ملخ‌ها به مزارع از کرد تا قصرشیرین گسترش داشت. رعیت ساکن در مزرعه ورگنبد کردند در برابر هجوم ملخ‌ها و ناامیدی از نگهداری حاصل مزرعه، مهاجرت کردند و تعداد کمی نیز که باقی مانده بودند با کمک‌های مالی ملک‌نیازخان به زندگی خود ادامه می‌دادند (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۷۹ و ۸۰ و ۱۰۵). به دلیل همین مشکل، زراعت در سرپل و قصر ضعیف بود. به حدی که مجبور بودند از ماهیدشت یا خانقین محصولات را بیاورند. مثل گندم و جو را وارد کنند (طاوسی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۴). محمدحسین‌خان هروی که روز اول و دوم ذی‌الحجه ۱۳۳۴ ق. در سرپل ذهاب بوده است ضمن نکوهش مردم کرد، کمبود زراعت در منطقه را به خصوصیات اخلاقی آن‌ها انتساب می‌دهد (خان‌افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۷). مار

۱. روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان سرپل‌ذهاب در استان کرمانشاه است.



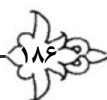
و مخصوصاً عقرب یک عامل مهم در عدم رونق و توسعه سکونت‌های تمدنی در گستره سرپل‌ذهاب بوده است. هنوز هم در مناطق گرم‌تر و دورافتاده‌تر این شهر تعداد این جانوران مودی زیاد است. اهالی معدود سرپل‌ذهاب سال ۱۲۸۳ق. به عضدالملک گفتند که از ماه جوزا (خرداد) عقرب‌ها از کوه پایین می‌آیند و سکونت در کاروانسرا و اطراف آن را غیرممکن می‌کنند تا حدی که ایلات حاضر در قشلاق آنجا قبل از این ماه کوچ می‌کنند. عضدالملک و همراهانش که در ماه اردیبهشت کاروانسرای سرپل‌ذهاب بودند از ترس عقرب شب‌ها نمی‌خوابیدند (عضدالملک، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

ج- محرومیت از سیاست‌های عمرانی دولت قاجار

جنگ تمام عیار ایران و روس، در مرتبه بعد جنگ‌های مرزی ایران و عثمانی و مشکلات متعدد دیگر بودجه دولت قاجاری را آنقدر تخفیف داده بود که به شهری کوچک و شبیه به یک روستا در مرزهای غربی توجه نکنند. حاصل جنگ با عثمانی ویرانی مرزهای نواحی غربی ایران خصوصاً از سمت قصرشیرین و سرپل‌ذهاب شده بود. میرزا سیدمحمد تقوی قزوینی شعبان ۱۲۴۰ق. هنگام عبور از سرپل‌ذهاب از اینکه کاروانسرای شهر رو به ویرانی بوده اظهار تأسف کرده و به جهت اینکه دولت بودجه کافی برای رسیدگی به این کارهای عمرانی ندارد حسرت خورده است. ناراحتی او زمانی بیشتر شد که فهمید برای یک شب ماندن در آن کاروانسرای ویران و کثیف دو قران از سورچی بابت هر دستگاه گرفته اند (تقوی قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۱). عضدالملک نیز که ذی‌الحجه ۱۲۸۳ق. در سرپل بوده است ضمن بیان روند ویرانی کاروانسرای میان طاق و سرپل از سربازان فوج گوران مستقر در شهر صحبت می‌کند که لباس و اسلحه نداشته‌اند. از قرار وقتی مأمورین دولتی در کرمانشاه متوجه ماموریت عضدالملک برای بردن خشت‌های طلا به کربلا می‌شوند نهایت کاری که می‌توانند انجام دهند از قورخانه کرمانشاه چند دست لباس و شیپور شکسته و مندرس و دو دست طبل معیوب برای سربازان فوج گوران در سرپل فرستادند. عضدالملک ضمن ابراز تأسف از این وضعیت، با تأکید بر مرزداری این نیروها و آراستگی قشون عثمانی در طرف دیگر مرز خواستار توجه بیشتر به این نیروها شد (عضدالملک، ۱۳۹۰، صص ۸۳-۸۴). ایزابلا بیسوب که سال ۱۳۰۷ق. در کرمانشاه بود از مهاجرت مردم این شهر به عثمانی و شهرهای شمالی آذربایجان در نتیجه ستم بیش از حد عمال دولتی خبر داده است (بیسوب، ۱۳۷۵، ص ۲۰).

نتیجه‌گیری

جغرافیای تاریخی سرپل‌ذهاب به‌عنوان یک شهر کوچک در دوره قاجار، موضوع پژوهش حاضر



است. شهرستان سرپل ذهاب با مساحت تقریبی ۱۲۷۱ کیلومترمربع و جمعیت ۸۵۶۱۶ نفری در ۴۵ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۲۴ درجه عرض جغرافیایی در غرب ایران قرار دارد. در این جغرافیا تا به امروز و به صورت مشخص، سه شهر حیات تمدنی داشته‌اند؛ حلوان، ذهاب و سرپل ذهاب. شهر ذهاب که اوایل دوره نادری و البته در قلمرو اشغال شده توسط عثمانی شکل گرفت، اوایل دوره قاجار، رو به ویرانی نهاد و فقط در حدود بیست کیلومتری آن و در مسیر جاده عتبات شهر سرپل ذهاب ظهور یافت. آنچه در مقاله حاضر انجام شد، بررسی جغرافیای تاریخی سرپل ذهاب در دوره قاجار بود. در این پژوهش نشان دادیم که گمرک‌خانه عثمانی اوایل دوره قاجار در تنگه میانکل آغاز حیات شهری سرپل ذهاب است که به تدریج با الحاق مجدد به ایران و رونق جاده عتبات زمینه برای توسعه شهر فراهم شد. کاروانسرا، پل، برج و عمارت، بازار، حمام، بیدستان و باغ، قورخانه، توپخانه و تلگراف‌خانه از جمله مکان‌هایی عمومی بود که تا پایان عصر ناصری در این شهر ایجاد شد. سرپل ذهاب در دوره قاجار به علت محروم ماندن از سیاست‌های عمرانی دولت و قرار گرفتن در شرایط آب‌وهوایی گرم نتوانست جمعیت زیادی را به خود جذب کند. در فصل تابستان و قبل از رسیدن خردادماه مثل یک شهر متروکه می‌شد. هجوم جانوران و حشرات موذی مثل عقرب و ملخ مخصوصاً در فصل گرم سال زندگی را برای ساکنان شهر سخت می‌کرد. خانه‌های سرپل ذهاب ساده و به دور از هر هنری معمولاً بیشتر از آنکه برای مسافران جاذبه داشته باشد دافعه داشت. به لحاظ جمعیتی نیز از ابتدای دوره قاجاری با چند زاغه گلی شروع شد و در نهایت نیز به بیشتر از هزار نفر نرسید.





اجاره قرا، مزارع، مراتع و نه‌رهای ذهاب و قصر شیرین به جوانمیر خان سرتیپ احمدوند



تلگراف علیمراد خان از سربیل به حسام‌الملک

منابع الف - کتابها

- احتسایان، احمد (۱۳۱۸). *جغرافیای ایران*. بی‌جا، بی‌نا.
- ادیب‌الملک، عبدالعلی‌خان (۱۳۶۴). *سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات*. تصحیح مسعود گلزاری. تهران: انتشارات دادجو.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری*. تهران: دنیای کتاب.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه و توضیحات علی سعیدی. تهران: زوار.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*. ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا وره‌رام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- آل‌آقا، احمد بن محمد علی بهبهانی (۱۳۷۳). *مرآت‌الاحوال جهان‌نما*. قم: انتشارات انصاریان.
- بی‌شوب، ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*. ترجمه مهراب امیری. تهران: نشر آژان.
- تقوی‌قزوینی، میرزا سید محمد (۱۳۹۴). *سفرنامه عتبات، هند و حج*. تصحیح محمدعلی باقرزاده. تهران: نشر مشعر.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*. تحقیق و تصحیح ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دوسرسی، کنت ادوارد (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ میلادی: *سفارت فوق‌العاده کنت دو سرسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶). *فرهنگ آبادیهای کشور (سرپل‌ذهاب، قصرشیرین)*. تهران: سازمان انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سدیدالسلطنه مینایی، محمدعلی‌خان (۱۳۶۲). *سفرنامه*. تصحیح و تحشیه احمد اقتداری. تهران: انتشارات به‌نشر.
- سنجابی، علی‌اکبر (۱۳۸۰). *خاطرات سردار مقتدر (ایل سنجابی و مجاهدات ملی ایران)*. به تحریر و تحشیه کریم سنجابی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ظهیرالدوله، علی بن محمد بن ناصر (۱۳۸۵). *خاطرات و سفرنامه*. به کوشش سیف‌الله وحدنیا. تهران: آبی.
- عباسی، محمدرضا و بدیعی، پرویز (۱۳۷۲). *گزارش اوضاع سیاسی و اجتماعی ولایات عصر ناصری*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- عضدالملک، علی‌رضابن موسی (۱۳۷۰). *سفرنامه عضدالملک به عتبات*. به کوشش حسن مرسلوند. تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- علوی کرمانی، حاجیه خانم (۱۳۸۶). *روزنامه سفر حج*. به کوشش رسول جعفریان. قم: نشر مورخ.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.
- فخرالملک، ابوالحسن‌خان اردلان (۱۳۷۲). *از حریم تا حرم: سفرنامه ابوالحسن‌خان فخرالملک اردلان به*



- عتبات، به کوشش محمدرضا عباسی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- فرید، یدالله (۱۳۸۴). *جغرافیا و شهرشناسی*. تبریز: دانشگاه تبریز.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نور صادقی. تهران: انتشارات اشراقی.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه محمد مرادبن عبدالرحمن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قنبری، صباح؛ خسروی زاده، صباح (۱۳۹۱). *پژوهشی در تاریخ سرپل ذهاب*. تهران: تمدن پارس.
- مک داول، دیوید (۱۳۸۳). *تاریخ معاصر کرد*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانید.
- ناصر الدین شاه (بی تا). *سفرنامه ناصرالدین شاه به کرمان و نجف*. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳). *روزنامه سفر سرجان ملکم به دربار ایران*. ترجمه هوشنگ امینی. تهران: کتابسرا.
- هدایتی، احمد؛ هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۳). *خاطرات سفر مکه*. تهران: چاپخانه حیدری.

ب- مقالات

- خان افغان، محمدحسین خان هروی (۱۳۹۰). *سفرنامه عتبات*. تصحیح سید خلیل طاوسی. *فصلنامه پیام بهارستان*، دوره دوم، ۴ (۲۴).
- طاوسی، سیدخلیل (۱۳۹۱). *سفرنامه عتبات*. نویسنده ناشناس. *پیام بهارستان*، دوره دوم (۱۵).
- نائینی، میرزاعلی خان (۱۳۸۹). *روزنامه سفر کرمان*. تصحیح سیدخلیل طاوسی. *مجله پیام بهارستان*، دوره دوم، ۳ (۹).

ج- اسناد

- سند قتل عام همه‌وندیها در ذهاب، ساکما: شناسه سند: ۲۹۶/۳۶۲۰.
- تلگراف علیمراد خان از سرپل به حسام‌الملک، ساکما: شناسه سند: ۲۹۶/۱۳۷۲.
- سند اجاره قرا، مزارع، مراتع و نه‌رهای ذهاب و قصرشیرین به جوانمیرخان سرتیپ احمدوند، ساکما: شناسه سند: ۳۹۶/۱۳۰۲.

د- نسخ خطی

- *سفرنامه*. ابن شیخ حایری، محمد بن زین‌العابدین، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۸۸۰.
- *سفرنامه عتبات*. مهاجرانی همدانی، حسین، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۴۷۹۱.
- *مشکاه‌المسافرین*، *سفرنامه عتبات*. هما، علی‌اکبر، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳.

ه- پایان‌نامه‌ها

- شهسواری، ثریا (۱۳۸۶). *نقش عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی در دوره قاجاریه*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته تاریخ، دانشگاه تهران.

